

• دریافت ۹۶/۰۳/۲۰

• تأیید ۹۷/۰۶/۱۸

بررسی کارنامه هدایت پژوهی در ایران از ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۱

ابراهیم نوربخش*

سعید حسامپور**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روند هدایت پژوهی در ایران و موضوع‌هایی است که در ادبیات هدایت پژوهی طی پنجاه سال، از ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۱، مطرح بوده است. روش تحقیق کتابخانه‌ای است. ابتدا هرآنچه درباره‌ی صادق هدایت در بازه‌ی زمانی مورد نظر به صورت مقاله و کتاب در ایران چاپ شده است فهرست و از لحاظ موضوعی طبقه‌بندی شد. سپس داده‌ها بر اساس هر دهه منظم شد تا معلوم شود در هر دهه چه مقالات و کتاب‌هایی، با چه مضامین و موضوع‌هایی، درباره‌ی هدایت و آثار وی چاپ شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مقالات همواره سیر صعودی داشته‌اند یعنی در طول زمان بر تعدادشان افزوده شده، اما تعداد کتاب‌های هدایت پژوهی در دهه‌های مختلف افت و خیز داشته است. یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که این مقالات و کتاب‌ها عمدتاً به دو موضوع کلی پرداخته‌اند، یکی زندگی، مرگ و شخصیت صادق هدایت، و دیگری آثار او، نقد این آثار و ارتباط آن‌ها با نوشته‌های بعضی نویسندگان غربی.

کلید واژه‌ها:

صادق هدایت، ادبیات معاصر، هدایت پژوهی، نقد ادبی.

ebi.nur@gmail.com

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

shessampour@yahoo.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

مقدمه

از صادق هدایت آثار فراوانی از داستان و نقد و تحقیق و ترجمه وطنز باقی مانده است. یکی از بنیادی‌ترین فعالیت‌ها در ارتباط با شخصیت‌هایی مانند او، بررسی و تحلیل نوشته‌هایی است که درباره‌ی او و آثارش پدید آمده است. تحلیل و بررسی کلی این آثار می‌تواند تصویر جامعی از هدایت‌پژوهی را به ما نشان دهد و اطلاعات دقیق‌تری از کارهای تکراری یا بخش‌های کمترتوجه شده را روشن سازد.

این پژوهش در پی آن است تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که: **روند کمی و کیفی هدایت‌پژوهی از ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۱ چگونه است و در هر دهه از این بازه‌ی زمانی به چه موضوع‌هایی بیشتر پرداخته می‌شود؟** جهت روش‌مندی بهتر و مطالعه‌ی دقیق‌تر، این بازه‌ی زمانی به پنج دوره‌ی ده‌ساله تقسیم می‌گردد. دهه‌ی اول از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰، دهه‌ی دوم از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، دهه‌ی سوم از ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰، دهه‌ی چهارم از ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ و دهه‌ی پنجم از ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۱. جالب است ذکر شود که بیشتر مقاله‌ها و پژوهش‌هایی که درباره‌ی کتاب‌شناسی شاعران و نویسندگان انجام یافته نیز بازه‌ی زمانی مورد مطالعه‌ی خود را به دوره‌های ده‌ساله بخش‌بندی نموده است. برای نمونه، می‌توان از مقاله‌ی رویکردهای پنج‌گانه در خیام‌پژوهی نوشته‌ی دکتر حسن‌لی و دکتر حسام‌پور، فرهنگ سعدی‌پژوهی از دکتر حسن‌لی و کارنامه‌ی تحلیلی خیام‌پژوهی از دکتر حسن‌لی و دکتر حسام‌پور یاد کرد که در هر یک از این پژوهش‌ها، بازه‌ی زمانی مورد بحث، به دوره‌های ده‌ساله تقسیم شده است. در این پژوهش نیز، با اقتباس از شیوه‌ی پژوهش‌های نام‌برده، بازه‌ی زمانی ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۱ به پنج دهه تقسیم می‌گردد و سپس هر دهه، به صورت مستقل، با ذکر جزئیات مطالعه و بررسی می‌گردد.

گفتنی است که این پژوهش سیر موضوعی هدایت‌پژوهی را در کتاب‌ها و مقاله‌ها از ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۱ بررسی می‌کند و در هر دوره، به موضوع‌ها و عنوان‌هایی می‌پردازد که در هر دهه، بیشتر و برجسته‌تر مطرح شده است. همچنین روند کمی و کیفی هدایت‌شناسی را در هر دهه مطالعه و ارزیابی می‌کند. برای مطالعه‌ی دقیق‌تر در هدایت‌پژوهی و به جهت اینکه موضع نویسندگان و مولفان آثار هدایت‌شناسی مشخص شود، در بخشی کوتاه، رویکردهای هدایت‌پژوهی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

شایان ذکر است که تا کنون کتاب‌شناسی‌های زیر در پیوند با هدایت و آثارش نوشته شده است: **کتاب‌شناسی صادق هدایت** از محمد گلبن (۱۳۵۴)، **کتاب‌شناسی صادق هدایت** از

ناهید حبیبی آزاد (۱۳۸۶) *شناخت‌نامه‌ی صادق هدایت* از جهانگیر هدایت (۱۳۸۷). با این که هر یک از کتاب‌شناسی‌های پدیدآمده در جای خود بسیار ارزشمند و مفید است، اما بیشتر درباره‌ی این آثار گونه‌ای معرفی کوتاه انجام گرفته است و نگارندگان کمتر به محتوای آثار پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل کلی و بررسی جریان‌ها و رویکردهای پدیدآورندگان نسبت به هدایت و آثار او توجه کرده‌اند.

هدف این پژوهش، این است که روند کمی و کیفی هدایت‌شناسی را از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۱ تبیین و تحلیل کند. با مطالعه‌ی این پژوهش، می‌توان با فضای کلی هدایت‌شناسی در هر دهه آشنا گردید؛ این که در هر دهه چه تعداد مقاله و کتاب نوشته شده است، کیفیت و کمیت آن‌ها در هر دوره چگونه است و چه عواملی سبب گردیده که نویسندگان در هر دوره، به *موضوعی* خاص توجه کنند. مقایسه‌ی تحولات هدایت‌شناسی در هر دهه با دهه‌های پیش و پس از آن، از دیگر ضرورت‌های نگارش این مقاله بود تا کسانی که می‌خواهند از روند هدایت‌شناسی آگاهی یابند، با مقایسه‌ی روند هدایت‌پژوهی در هر دهه با دهه‌های دیگر، روند کلی هدایت‌شناسی را هر چه عمیق‌تر دریابند.

پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی نویسنده‌ی معاصر-صادق هدایت-که این پژوهش، آثار مربوط به او را بررسی و تحلیل می‌کند، تا کنون، همان‌گونه که گفته شد، سه اثر پدید آمده است. کتاب‌شناسی صادق هدایت از محمد گلبن (۱۳۵۴)، کتاب‌شناسی صادق هدایت از ناهید حبیبی آزاد (۱۳۸۶) و *شناخت‌نامه‌ی صادق هدایت* از جهانگیر هدایت (۱۳۸۷) که کتاب‌های حبیبی آزاد و جهانگیر هدایت از حیث جامعیت و توصیف برخی از آثار هدایت، مزیت بیشتری دارد. کتاب‌شناسی صادق هدایت از محمد گلبن اگر چه فهرست تمام آثار تألیف‌یافته درباره‌ی هدایت را از مقاله و کتاب در بردارد، اما تألیف ایشان خالی از اشکال نیست. نویسنده در سیاه‌برداری از مقاله‌ها و کتاب‌ها دقت کافی به خرج نداده و برخی از آثار هدایت‌شناسی در کتاب ایشان به صورت ناقص-بدون نام یا تاریخ- ثبت گردیده است. برای نمونه، مقاله‌ی *مردی که دنیا را به رجاله‌ها سپرد*، در کتاب‌شناسی گلبن - که در شماره‌ی ۸۵۶ مجله‌ی فردوسی، ص ۱۸ درج شده است - نام نگارنده را ندارد. کتاب‌شناسی‌های دیگر از حیث دقت و محتوا نسبت به این کتاب‌شناسی وضعیت بهتری دارند، یعنی در تألیف آنها، دست‌کم، عنوان نگارنده و تاریخ چاپ اثر ذکر گردیده است.

۱- رویکردهای هدایت‌پژوهی:

با توجه به نقش تأثیرگذار صادق هدایت بر تحولات ادبی معاصر و جنبه‌های گوناگون آثارش، رویکردهای متنوع و متضادی در پژوهش‌های مرتبط با او پدید آمده است. به‌طور کلی، مصطفی فرزانه این رویکردها را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱-۱. رویکرد نخست، موضع‌گیری دوستان و طرفداران هدایت مانند بزرگ علوی، مسعود

فرزاد و مصطفی فرزانه است که به سبب هم‌فکری با هدایت، از او حمایت می‌کنند و با نگاهی مثبت به آثار او می‌نگرند و کمتر به تبیین کاستی‌های احتمالی در آثارش می‌پردازند. این دسته از پژوهشگران، در نوشته‌های خود، به تجلیل از هدایت می‌پردازند و به توان‌مندی‌های او در نویسندگی اشاره می‌کنند. ایشان اغلب همان کسانی هستند که در زمان حیات خود هدایت، با او گروه ربه را تشکیل دادند.

برای نمونه، از حکایت‌های جالب کتاب *وغ وغ* ساهاب باید نام برد که هدایت با همکاری مسعود فرزاد نوشت و در آن کتاب، دست رد به سینه‌ی هیچ‌یک از ادبای سنتی نگذاشت. سبک حکایات به قدری یک‌دست و هماهنگ است که تشخیص این‌که کدام حکایت را هدایت و کدام‌یک را فرزاد نوشته است دشوار می‌نماید. این دسته از پژوهشگران در معرفی صادق هدایت به جامعه‌ی ادبی ایران نقش عمده‌ای داشتند و باعث شدند تا نام هدایت به عنوان نویسنده‌ی آن روز ایران هر چه بیشتر مطرح گردد.

۱-۲. رویکرد دوم، رویکرد پژوهشگران سنتی و محافظه‌کاری است که افکار و اطلاعات

قدیمی داشتند و به سبب علاقه به در مطالعه‌ی ادبیات سنتی، شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ای از اندیشه‌های نوگرای هدایت و آثارش نداشتند. از همین رو، با او مخالفت می‌کردند. از نظر فرزانه (۱۳۷۲:۳۴۵) این پژوهشگران طرفدار ادبیات سنتی و سبک‌های ادبی قدیم بودند و شعر و نثر معاصر را چندان نمی‌پسندیدند. به عقیده‌ی خامه‌ای (۱۳۶۸:۱۲۲) نیز ایشان اغلب همان کسانی بودند که در زمان حیات خود هدایت، مورد انتقاد شدید او و طرفدارانش قرار گرفتند. او (همان) می‌گوید: «از این دسته که به گروه سبزه شهرت یافتند می‌توان دکتر غنی، رشید یاسمی و عباس اقبال را نام برد که در زمان هدایت کار نگارش و نشر مطالب ادبی را بر عهده گرفتند.» خامه‌ای معتقد است: «علت مخالفت برخی از این پژوهشگران با هدایت، قلم تیز هدایت در انتقاد بود». البته به نظر می‌رسد هدایت در انتقاد کردن جنبه‌ی غرض‌ورزی نداشته است، زیرا چنانکه خامه‌ای (همان، ۱۲۳) می‌گوید: «وی هنگامی که خشمگین می‌شد، همه، حتی دوستان

نزدیکش را نیز به باد انتقاد می‌گرفت. شاید بتوان رفتار هدایت را گونه‌ای عصیان بر ضد سنت دانست. «خامه‌ای پس از آن می‌گوید برخی از نویسندگان از قلم تند و تیز هدایت و عصیان آزاردهنده‌ی او خوششان نمی‌آمد و به پاسخ روی می‌آوردند؛ از جمله‌ی این اشخاص، صبحی مهتدی و حسین قلی مستعان را می‌توان نام برد که در برابر انتقادهای هدایت واکنش نشان می‌دادند. (همان، ۱۳۳۰)

فرزانه رویکردهای هدایت‌پژوهی را به دو دسته تقسیم می‌کند، اما خامه‌ای — بی‌آنکه قصد طبقه‌بندی داشته باشد — رویکرد سومی هم شناسایی کرده است:

۱-۳. رویکرد سوم: «رویکرد نویسندگان و پژوهشگرانی است که نسبت به هدایت موضعی بی‌طرفانه و منصفانه داشتند. آنها همان قدر که خصایل و ویژگی‌های مثبت او را می‌ستودند، از خصایل ناپسند او، البته با زبانی مؤدبانه، انتقاد می‌کردند. نه درباره‌ی ویژگی‌ها و توان‌مندی‌هایش اغراق می‌کردند و نه مانند مخالفان او، قصد داشتند همه‌ی خدمات و زحمات‌های وی را ناچیز جلوه دهند. ایشان تقریباً سعی کردند که تمام جوانب شخصیتی هدایت را به خوانندگان نشان دهند. از جمله‌ی این پژوهشگران، محمدعلی همایون کاتوزیان، رژه لسکو، پاستور والرادی و یان ریپکا را می‌توان برشمرد. ایشان سعی کردند که در مطالب و سخنرانی‌هایشان، چهره‌ای نسبتاً حقیقی از هدایت را نمایش دهند.» (همان، ۱۳۲۵)

روند موضوعی هدایت‌پژوهی

(الف) ۱۳۳۰-۱۳۴۰

در این دوره در مجموع، ۵۱ مقاله و ۱۲ کتاب درباره‌ی هدایت به چاپ رسید که بیشتر درباره‌ی درگذشت صادق هدایت، بررسی خصایص فردی او، فضای زندگی و دوستان و معاشران اوست. مقاله‌های این دوران چندان مبتنی بر روش‌های علمی و پژوهشی نیست. شاید بتوان یکی از دلایل پرداختن به موضوع درگذشت هدایت و زندگی خصوصی او را خودکشی ناگهانی هدایت دانست که همه را به حیرت انداخت و انگیزه‌ای شد برای آنکه درباره‌ی او و آثارش و جایگاه او در داستان‌نویسی ایران بنویسند. برای نمونه، می‌توان به پنج مقاله اشاره کرد که در این دهه تنها درباره‌ی بوف کور به نگارش درآمده است.

یکی از آثار ماندگار این دوره کتابی است با عنوان *آری بوف کور هدایت را باید سوزانید* (۱۳۳۵) به ترجمه و گردآوری حسن قائمیان، هدایت‌پژوه نامداری که از دوستان و

همکاران صادق هدایت بود و به گفته‌ی جمشیدی (۱۳۹۲) در عرصه‌ی روشنفکری دهه‌های سی و چهل ایران حضوری فعال داشته است. این اثر مجموعه‌ی چندین مقاله است به قلم چند نویسنده‌ی فرانسوی درباره‌ی هدایت و نقش او در ادبیات نوین ایران، آثار مدرنیستی او و جایگاه او در ادبیات ایران و جهان. قائمیان در این کتاب بر آن است که فرانسویانی که درباره‌ی هدایت و آثار او مقالاتی نوشتند، بیشتر متوجه پیرایشان حالی او بوده‌اند. برای نمونه، از پاستور والری رادو نام می‌برد که پس از ذکر تجلیل فرانسویان از هنر نویسندگی صادق هدایت، اظهار می‌دارد که زندگی صادق هدایت با نروال مشابهت زیادی دارد. او می‌گوید: «هر دو در عالم خیال می‌زیستند، هر دو از پیروی اصول فکری و معنوی محیط سرباز می‌زدند. هر دو دوست داشتند که زندگی را در تفنن بگذرانند، بی‌آنکه هیچ یک از اصول و قواعد متداول زمان خود را جدی تلقی کنند.»

طبق همین گزارش (قائمیان، ۱۳۴۳: ۷۲) فیلیپ سوپو در مقاله‌ی *بوف کور در اروپا* به اهمیت و عظمت ادبی بوف کور اشاره می‌کند.

ب) ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰

در این دوره، در مجموع، ۱۲۴ مقاله و ۶ کتاب درباره‌ی هدایت به رشته‌ی تحریر درآمده است که اغلب آن‌ها به معرفی، تحلیل و نقد آثار او پرداخته‌اند. برخی از پژوهشگران هدایت‌شناس در این دوره می‌کوشند به آثار هدایت با دید تازه‌ای بنگرند و به شیوه‌ای مطلوب و گسترده، آثار برجای مانده از او را بررسی کنند. بیشتر داستان‌های هدایت از جمله *بوف کور*، *حاجی آقا*، *علویه خانم*، *سه قطره خون*، *سگ ولگرد*، *گرداب*، *دانش آکل*، *دن ژوان کرج*، *طلب آمرزش* و *شب‌های ورامین* با معیار نقد ادبی آن دوره تحلیل می‌شود. مثلاً *بوف کور* مورد نقد روانکاوانه قرار می‌گیرد، شخصیت‌های داستان‌های مختلف هدایت تحلیل می‌شوند و حتی خود هدایت و زندگی خانوادگی هم مورد نقد روان‌کاوانه قرار می‌گیرند، چندانکه پیمانی (۱۳۴۲: ۲۱) صادق هدایت را بی‌قید و لایبالی می‌داند و خانواده‌ی او را از این بابت نکوهش می‌کند: «مساعدبودن هدایت به سرشت اسکیزوئیدی با ناز کشیدن‌ها و تروخشک کردن‌های معیوب‌کننده سبب ایجاد یک روحیه‌ی خودخواه، خودپسند، تنبل و انگل‌مآبانه در وی گردیده است.»

این نکته گفتنی است که آنها سعی کرده‌اند واقع‌بینانه و بی‌غرض احوال و آثار هدایت را بررسی کنند. آنها، به سبب توصیف دقیق و واقعی هدایت از جامعه‌ی زمانش، او را نویسنده‌ای

واقع‌گرا قلمداد می‌کنند. در این باره، کتاب *نظریات نویسندگان بزرگ خارجی درباره‌ی صادق هدایت و آثارش* را قائمیان نوشت. این کتاب دربردارنده‌ی مقالات نویسندگان و مستشرقان خارجی به خصوص فرانسوی درباره‌ی صادق هدایت است و از لحاظ اینکه با رویکردی بی‌طرفانه به هدایت و آثارش پرداخته، حائز اهمیت فراوان است. شایان یادآوری است که عمده‌ی مطالب این کتاب در سال ۱۳۳۵ در کتاب *دیگر قائمیان آری بوف کور هدایت را باید سوزانید* درج شده بود و اینجا با اضافاتی تجدید چاپ گردید. تا جایی که می‌توان آن را چاپ دومی از همان کتاب نخست دانست. به همین سبب نیز از نظر محتوا، موضوع دیدگاه مستشرقان نسبت به هدایت مانند دهه‌ی قبل است و تفاوت چندانی با آن ندارد.

محمود بذل‌حق (۱۳۴۰) از نخستین کسانی است که در این دهه نقد متفاوتی از بعضی داستان‌های هدایت به دست می‌دهد. مثلاً به روابط و مناسبات میان قهرمانان داستان‌های او اشاره می‌کند و نقص جسمانی را علت اختلال روابط دوستانه یا زناشویی در این داستان‌ها به حساب می‌آورد، مثلاً می‌گوید در داستان داود گوژپشت، هیچ دختری رغبت نمی‌کند با داود ازدواج کند چون او گوژپشت است.

در این دهه، موضوع خودکشی هدایت همچنان مطرح است. برای نمونه، مصطفی فرزانه (۱۳۴۴، ۴۶۵) در مقاله‌ای به نام *آخرین روزهای زندگی هدایت*، ضمن بیان برخی از دلایل احتمالی خودکشی هدایت، تأکید می‌دارد که «هدایت مسلماً به قصد خودکشی به فرانسه رفت و ضمن گردش‌های خود در اطراف پاریس به بهانه‌های مختلف، دنبال مکان مناسبی بود که به زندگی خود خاتمه دهد.» وی همچنین به برخی از داستان‌های از دست‌رفته‌ی هدایت اشاره می‌کند که در روزهای پایانی زندگی این نویسنده، به دست خود هدایت، پاره و از میان برداشته شد.

(ج) ۱۳۵۰ - ۱۳۶۰؛

در این دهه، ۱۴۵ مقاله و ۸ کتاب درباره‌ی هدایت پدید می‌آید. خودکشی او بار دیگر اهمیت می‌یابد، شاید تحت تاثیر فضای نومیدانه‌ی پیش از انقلاب اسلامی. در همین دهه، رضا براهنی (۱۳۵۱، ۹) مقاله‌ای درباره‌ی مرگ هدایت نوشت و ادعایی تازه مطرح کرد. وی در مقاله‌ی خود با عنوان *صادق هدایت خودکشی نکرد، به مرگ طبیعی مرد*، ناباورانه موضوع خودکشی هدایت را مردود شمرد و اصرار ورزید که هدایت به مرگ طبیعی و بر اثر سکت جان‌باخته است و علت این که بسیاری از پژوهش‌گران به خودکشی هدایت اشاره می‌کنند علاقه‌ی مفرط هدایت به خودکشی بوده است.

علاوه بر موضوع خودکشی، نقد جامعه‌شناختی آثار هدایت، در کنار نقدهای روان‌کاوانه که در دهه‌ی قبل مرسوم بود، مطرح می‌شود. برای نمونه، کشاورز (۳۰۸، ۱۳۵۲) در مقاله‌ی *قطعاتی از کتاب نثر صادق هدایت* به نقد کشه‌لاوا از بوف کور می‌پردازد. او می‌گوید: کشه‌لاوا آثار هدایت را در بستر جریان‌های سیاسی زمانه، به دو دوره‌ی امپرسیونیستی (از ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۱) و رئالیستی (۱۹۴۲ به بعد) تقسیم‌بندی می‌کند و معتقد است آثار دوره‌ی امپرسیونیستی هدایت از جمله بوف کور: «تحت تاثیر جریان‌های منحنی ادبیات آن دوران مغرب زمین به نگارش درآمده» کشاورز اما با توسل به نظرات بزرگ علوی، احسان نراقی و دیگران بوف کور را داستانی اجتماعی و نه امپرسیونیستی، تلقی می‌کند و معتقد است شخصیت پیچ در پیچ صادق هدایت، کسی که به خاطر ایران و بدبختی‌های کشور خویش رنج می‌برد، از میان صفحات بوف کور با ما سخن می‌گوید. این دهه با پیروزی انقلاب اسلامی به پایان می‌رسد.

(د) ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰؛

در این دهه، به رغم وجود جنگ تحمیلی و آثار آن در جامعه‌ی پس از انقلاب اسلامی، هدایت‌پژوهی رونق فراوان می‌یابد. ۱۶۰ مقاله و ۴ کتاب درباره‌ی آثار هدایت، به ویژه بوف کور و همچنین مقایسه‌ی داستان‌های او با آثار مطرح ادبیات جهان به رشته‌ی تحریر در می‌آید. در این دوره، پژوهشگران با معیارهای نقد ادبی نوین آثار هدایت را تحلیل می‌کنند. بار دیگر نقد و تحلیل بوف کور از دیدگاه‌های روان‌شناختی، تاریخی و اجتماعی اهمیت بسزایی می‌یابد و لابه‌های تازه‌ای از این رمان سوررئالیستی کشف می‌شود. یکی از پژوهشگرانی که در این دهه بوف کور را با معیار نقد نو بررسی می‌کند نفیسی است.

او در مقاله‌اش با عنوان «دریافتی از بوف کور» می‌گوید:

«خواننده‌ی بوف کور با داستانی روبه‌رو است که داستانی عادی نیست و ماجرای خطی ندارد؛ بلکه با داستانی شعرگونه و استعاری مواجه شده که حس و حالت شعر را در او زنده می‌نماید. ساختار استعاری بوف کور انباشتی از حالت‌های متفاوت و متناقض در درون یک تصویر می‌باشد و حضور این حالت‌های متناقض است که کل ساختار آن را دچار تنش می‌کند. اگر در داستان‌های رئالیستی، تنش و کشمکش در طرح ایجاد می‌گردد و خواننده رغبت می‌یابد تا برای دانستن و کشف پایان ماجرا، آن داستان را به طور کامل دنبال کند، در داستان‌های استعاری و به خصوص بوف کور، داستان پایانی ندارد و کشش آن در روابط میان این حالت‌های متفاوت و گاه متناقض با یکدیگر است.» (ص ۲۰)

از جمله مباحثی که در دهه‌ی ۶۰ بررسی می‌شود، نقدهای سینمایی آثار هدایت می‌باشد. از جمله غلام حیدری (۱۳۶۸، ۶۳۶) به بررسی تطبیقی بوف کور با آثار سینمایی جهان می‌پردازد. وی به ادعای آذرگون اشاره می‌کند مبنی بر این که بوف کور از فیلم‌های اکسپرسیونیستی اروپایی اقتباس یافته است. توضیح این که «پس از انتشار بوف کور و رسیدن نسخه‌های خطی آن به ایران، فرخ غفاری با امضای آذرگون نخستین پژوهشگر سینمایی بود که تأثیر فیلم‌های اکسپرسیونیستی اروپایی به ویژه آلمانی را در بوف کور شناسایی کرد. وی در مجموعه مقالات تاریخی‌چخ‌چی مختصر سینمای جهان کوشید تصویرهای ذهنی و روان‌شناختی بوف کور و فضای بدبینانه و یأس‌آور حاکم بر آن را به دوربین سوژکتیو روبرت وینه در مطب دکتر کالی‌گری ارتباط دهد.»

از دستاوردهای دیگر این دهه توجه به تأثیر آثار دیگران در کار هدایت بود. مثلاً تأثیر خیام در کتاب *ترانه‌های خیام*. البته هدایت با خیام آشنایی زیاد داشته است، و مقاله‌ای هم دارد با عنوان *مقدمه بر رباعیات خیام* که از آثار پژوهشی و غیر داستانی او است. در این مقاله، هدایت از فلسفه و جهان‌بینی خیام بسیار سخن می‌گوید. لئونارد بوگل (۱۳۶۷، ۶۶) در مقاله‌ی خود تأثیر *فلسفه‌ی خیام بر بوف کور هدایت* به همین موضوع اشاره می‌کند. بوگل تأکید می‌ورزد که راوی بوف کور به نظریه‌ی خیام درباره‌ی دگرگونی ذرات آدمی باور دارد و به بخش‌هایی از این داستان استناد می‌ورزد، و به این ترتیب تأثیر خیام را در کار هدایت برجسته می‌کند.

۵) ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰.

در این دهه، ۱۷۰ مقاله و ۴۵ کتاب درباره‌ی هدایت نوشته می‌شود. محققان در کنار موضوع‌های قبلی به موضوع‌های تازه‌ای در کار هدایت توجه می‌کنند، از جمله به آثار غیرداستانی او، اعم از ترجمه‌های او از ادبیات جهان، نوشته‌های تحقیقی او، ترجمه‌های او از ادبیات پهلوی، طنزینها و مقالات وی درباره‌ی زبان فارسی. کثرت و تنوع موضوع‌ها به اندازه‌ای است که به یقین می‌توان گفت هدایت‌پژوهی مسیری تازه در پیش می‌گیرد. به طور کلی، در هر یک از آثار این دوره، نکته‌های تازه و بدیعی درباره‌ی هدایت یافت می‌گردد. افزون بر این، پژوهشگران ادبیات تطبیقی آثار هدایت را با داستان‌های خارجی مقایسه می‌کنند، روندی که در دهه‌ی گذشته آغاز گشته بود. مثلاً قربانی (۱۳۷۲) داستان «سگ ولگرد» هدایت را با داستان «گربه‌سیاه» آلن‌پو و «سپید دندان» جک لندن مقایسه می‌کند. اما نقد بوف کور در این دهه نیز از رونق نمی‌افتد.

برای نمونه، گیائی(۱۳۷۷، ۸۱) در کتابش با عنوان «تاویل بوف کور» به نقد و ارزیابی این داستان از لحاظ تاریخی می‌پردازد. او «راوی را سمبل روشنفکران دوران رضاشاه می‌داند و دختر اثیری را — که راوی در شوق وصال او می‌سوزد — نمادی از ایران باستان می‌شمارد. در برابر دختر اثیری، لکاته قرار دارد که همسر کنونی راوی است و گیائی او را نیز — که در ضمن شباهت‌هایی هم با دختر اثیری دارد و در واقع، چهره‌ی دگرگون‌شده‌ی دختر اثیری است — سمبل ایران زمان هدایت تلقی می‌کند؛ ایرانی که به‌دست مهاجمان و متجاوزان بیگانه آلوده شده است.»

نتایج تحقیق

در این بخش، نتایج کلی پژوهش حاضر در دو بخش ارائه می‌شود. بخش نخست توزیع زمانی و توزیع موضوعی مقاله‌های حوزه‌ی هدایت‌پژوهی را از دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۱ در بر می‌گیرد. بخش دوم حاوی جدول‌های توزیع زمانی و توزیع موضوعی کتاب‌های حوزه‌ی هدایت‌پژوهی است.

بخش اول

۱- توزیع زمانی مقاله‌های هدایت‌پژوهی

جدول ۱- توزیع زمانی مقاله‌ها

زمان	تعداد	درصد
۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰	۵۱	۷/۸۴
۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰	۱۲۴	۱۹/۰۷
۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰	۱۴۵	۲۲/۳۰
۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰	۱۶۰	۲۴/۶۱
۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱	۱۷۰	۲۶/۱۵
تعداد کل	۶۵۰	۱۰۰

با توجه به جدول توزیع زمانی مقاله‌ها، سیر زمانی مقاله‌ها سیری صعودی و رشدیابنده است. در دهه‌ی ۳۰، تعداد ۵۱ مقاله درباره‌ی هدایت نوشته می‌شود که سهم عمده‌ای از آن‌ها، مربوط به شخصیت و زندگی صادق هدایت است. بخش قابل توجهی از این نوشته‌ها بیشتر شبیه

دل‌نوشته هستند و از لحاظ کیفی هنوز به پختگی و غنای مقاله‌های دهه‌های بعد نمی‌رسند. در دهه‌ی ۴۰، تعداد مقاله‌ها به ۱۲۴ افزایش می‌یابد و تنوع موضوعی این مقاله‌ها در دهه‌ی ۵۰، تعداد مقاله‌ها به ۱۴۵ می‌رسد که البته موضوع‌ها همچنان تکراری است. شاید به دلیل وجود فضای اختناق در آن دوران که مانع از نواندیشی می‌شد. تعداد مقاله‌ها در دهه‌ی ۶۰ به ۱۶۰ می‌رسد و بعضی مقاله‌ها به نقد آثار غیرداستانی هدایت هم می‌پردازند. در دهه‌ی ۷۰، نه تنها تعداد مقاله‌ها به ۱۷۰ مقاله می‌رسد، بلکه بعضی آثار هدایت در چارچوب ادبیات تطبیقی با آثار نویسندگان صاحب‌نام آمریکایی مقایسه می‌شود.

۲- توزیع موضوعی مقاله‌های هدایت‌پژوهی

جدول ۲- توزیع موضوعی مقاله‌ها

ردیف	موضوع مقاله	تعداد	درصد
۱	سرگذشت هدایت	۸۰	۱۲/۳٪
۲	شخصیت هدایت	۴۵	۶/۹۲٪
۳	خودکشی هدایت	۱۵۰	۲۳/۰۷٪
۴	مقایسه‌ی هدایت با نویسندگان و شاعران خارجی	۲۵	۳/۸۴٪
۵	بوف کور	۲۰	۳/۰۷٪
۶	پوچ‌گرایی	۱۰	۱/۵۳٪
۷	روانشناسی هدایت و آثارش	۸	۱/۲۳٪
۸	بررسی آثار داستانی هدایت	۱۷۵	۲۶/۹۲٪
۹	بررسی آثار غیر داستانی هدایت	۱۳۰	۲۰٪
۱۰	جامعه‌شناسی آثار هدایت	۷	۱/۰۷٪
۱۱	تعداد کل مقاله‌ها	۶۵۰	۱۰۰٪

از میان مقاله‌هایی که پیرامون هدایت نوشته شده است، ۱۷۵ مقاله درباره‌ی بررسی آثار داستانی هدایت پدید آمده که بیشترین تعداد مقاله را به خود اختصاص می‌دهد. پژوهشگران چیره‌دستی چون آذر نفیسی، همایون کاتوزیان و ایرج بشیری به بررسی آثار داستانی هدایت

می‌پردازند ۱۵۰ مقاله نیز درباره‌ی خودکشی هدایت نوشته شده و بیشتر مربوط به دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ است، زیرا چنانکه پیدا است خودکشی هدایت همه را به حیرت و واکنش واداشته است. ۱۳۰ مقاله نیز به ارزیابی آثار غیرداستانی هدایت می‌پردازد و این موضوع نشان می‌دهد که آثار غیرداستانی در قیاس با آثار داستانی محبوبیت کمتری داشته است. تعداد ۸۰ مقاله نیز به سرگذشت هدایت اختصاص دارد. در این میان، تعداد مقاله‌هایی که به شخصیت و خلق‌وخوی هدایت می‌پردازد ۴۵ مقاله است. همچنین ۲۵ مقاله درباره‌ی مقایسه‌ی هدایت با آثار نویسندگان دیگر نوشته شده است که خود دریچه‌ای است به ادبیات تطبیقی و آثار هدایت را از حوزه‌ی ادبیات بومی به حوزه‌ی ادبیات جهانی می‌کشاند. تنها ۱۰ مقاله به پوچ‌گرایی هدایت و ۸ مقاله به روانشناسی هدایت و آثارش اختصاص دارد که از آن میان، مقاله‌های محمد صنعتی روانپزشک، آذر نفیسی و بهرام مقدادی، پژوهشگر نقد ادبیات انگلیسی، به سبب نوآوری مطالب و علمی‌بودن مباحثشان برجسته‌تر است. اگر چه تنها ۷ مقاله درباره‌ی جامعه‌شناسی آثار هدایت نوشته شده، اما همین تعداد اندک گویای ارزش اجتماعی داستان‌های هدایت و بازتاب دهنده‌ی فضای اجتماعی داستان‌های او است.

بخش دوم

۱- توزیع زمانی کتاب‌های هدایت پژوهی

جدول ۳- توزیع زمانی کتاب‌ها

زمان	تعداد	درصد
۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰	۱۲	۱۶٪
۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰	۶	۸٪
۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰	۸	۱۰/۶۶٪
۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰	۴	۵/۳۳٪
۱۳۷۱ تا ۱۳۸۱	۴۵	۶۰٪
تعداد کل کتاب‌ها	۷۵	۱۰۰٪

سیر هدایت‌شناسی در بخش کتاب‌ها با فراز و نشیب همراه است. در دهه‌ی سی ۱۲ کتاب درباره‌ی هدایت نوشته می‌شود. این مقدار در دهه‌ی چهل به ۶ کتاب کاهش می‌یابد. در دهه‌ی

پنجاه رشد اندکی در تعداد کتاب‌ها پدید می‌آید و تعداد ۸ کتاب درباره‌ی هدایت پدید می‌آید. در دهه‌ی شصت، به سبب وقوع جنگ تحمیلی هشت‌ساله، افت شدیدی در تعداد کتاب‌ها دیده می‌شود و در مجموع ۴ کتاب در این دهه نوشته می‌شود. اما در دهه‌ی هفتاد، به طور شگفت‌آوری در تعداد کتاب‌ها رشد صعودی پدید می‌آید. در این دهه، تعداد ۴۵ کتاب درباره‌ی هدایت و آثارش نوشته می‌شود. با نگاهی به کتاب‌های منتشرشده می‌توان گفت این رشد متناسب با رشد مقاله‌ها است؛ جامعه‌ی ایران در این دهه، تا حدی تغییر کرده و فضای دانشگاه‌ها پذیرای توجه بیشتر به نویسندگانی مانند هدایت بود. البته در میان آثار پدید آمده، آثاری هم هست که نویسندگان آن‌ها می‌کوشند از موضع مخالفت با هدایت و آثارش سخن بگویند و به گونه‌ای شخصیت و آثارش را مخرب نشان دهند.

۲- توزیع موضوعی کتاب‌های هدایت‌پژوهی

جدول ۴- توزیع موضوعی کتاب‌ها

ردیف	موضوع کتاب	تعداد	درصد
۱	شخصیت هدایت	۱۱	۱۴/۶
۲	سرگذشت هدایت	۸	۱۰/۶
۳	روانشناسی هدایت و آثارش	۵	۶/۶
۴	بررسی آثار داستانی هدایت	۲۰	۲۶/۶
۵	درباره‌ی آثار نایاب و چاپ‌نشده‌ی هدایت	۲	۲/۶
۶	کتابشناسی آثار صادق هدایت	۲	۲/۶
۷	بررسی آثار غیر داستانی صادق هدایت	۵	۶/۶
۸	بوف کور	۹	۱۲
۹	پوچ‌گرایی صادق هدایت	۴	۵/۳
۱۰	جامعه‌شناسی آثار هدایت	۲	۲/۶
۱۱	مقایسه‌ی هدایت با نویسندگان و شاعران خارجی	۷	۹/۳
۱۲	تعداد کل کتاب‌ها	۷۵	۱۰۰

در مجموع، ۲۸ کتاب به بررسی زندگی و شخصیت و روح و روان و پوچ‌گرایی وی اختصاص دارد. ۱۱ کتاب درباره‌ی آثار چاپ‌نشده، غیرداستانی، مجموعه آثار و جنبه‌ی

جامعه‌شناسی کار او است. در هفت عنوان کتاب هم هدایت با نویسندگان و شاعران خارجی مقایسه شده و آثارش با آثار برجسته‌ی ادبیات جهان در یک کفه‌ی ترازو قرار گرفته‌اند. در عین حال، این همه توجه به زندگی و شخصیت او و جنبه‌های روان‌شناختی آثارش نشان از رازآلودگی وجود و هستی این نویسنده‌ی پرآوازه و تاثیرگذار دارد.

بازبینی کتاب‌های هدایت‌پژوهی یافته‌های زیر را به دست می‌دهد:

الف) در کل این ۵ دهه، ۲۰ کتاب از ۷۵ کتابی که درباره‌ی هدایت نوشته شده است پیرامون آثار داستانی او است؛ از میان این کتاب‌ها، کتاب **نقد و تفسیر آثار صادق هدایت (۱۳۷۲)** اثر محمد رضا قربانی از جهت آنکه با رویکرد تحلیلی به نقد و ارزیابی داستان‌های هدایت پرداخته شایان توجه است. ایشان با دلایل و قرینه‌هایی نشان می‌دهد که میان برخی از آثار هدایت با آثار نویسندگان خارجی مطابقت وجود دارد: برای نمونه، **سه قطره خون** هدایت را با **گرچه سیاه آلم پو**، **بوف کور** هدایت را با **سفر مشرق ژرار دونروال** و **یادداشت‌های یک دیوانه** را با **اورلیای آلم پو** قابل تطبیق می‌داند. از سوی دیگر، برخی از آثار مشهور دیگر هدایت-مانند داش آکل-را با بینوایان و ویکتور هوگو مقایسه می‌کند و تفاوت‌های این دو داستان را بر اساس عناصر داستانی بیان می‌دارد.

ب) از میان آثار داستانی هدایت، **بوف کور** از همه مشهورتر است و نقد و تفسیرهای متعددی بر آن نوشته شده است و به خصوص مورد توجه مستشرقان فرانسوی قرار گرفته است. رژه لسکو با همکاری خود هدایت، **بوف کور** را به زبان فرانسه ترجمه کرد و دی پی کستلو این اثر نفیس را به انگلیسی ترجمه نمود. از میان پژوهشگران ایرانی، جلال ستاری در **بازتاب اسطوره در بوف کور (۱۳۷۷)** به تجزیه و تحلیل عقده‌ی ادیب در **بوف کور** می‌پردازد و نکات جالبی را در این زمینه مطرح می‌سازد. پس از او، بهرام مقصدادی در کتاب **هدایت و سپهری (۱۳۷۸)** این موضوع را به گونه‌ای مشروح‌تر مورد نقد و چالش قرار می‌دهد. کاتوزیان نیز در کتاب **درباره‌ی بوف کور هدایت (۱۳۸۱)** به طور مفصل درباره‌ی **بوف کور** توضیح می‌دهد و سرچشمه‌های ایرانی و خارجی آن را برمی‌شمارد. نکته‌ی مهمی که در نقد برخی از کتاب‌های مربوط به **بوف کور** وجود دارد، این است که برخی از منتقدان **راوی بوف کور** را با هدایت یکی پنداشته‌اند و زمینه‌ی نقد و بررسی خود را بر یکی بودن **راوی** و هدایت قرار داده‌اند. بعضی به این نتیجه رسیده‌اند که صادق هدایت بیمار روانی است و صفات منسوب به **راوی** در حقیقت، صفات خود هدایت می‌باشد. از دیگر نقدهای درخور توجه دیگری که درباره‌ی **بوف کور** نوشته

شده، نقد غیائی در کتاب **تأویل بوف کور** (۱۳۵۴) است که این داستان را از لحاظ ناسیونالیستی تحلیل می‌نماید. بر اساس این تحلیل، راوی سمبل یک روشنفکر میهن‌پرست است.

شمیسا نیز در **داستان یک روح** (۱۳۷۶) به نقد و بررسی بوف کور از لحاظ روان‌شناسی یونگی می‌پردازد. وی عقیده دارد که تمامی شخصیت‌های مؤنث داستان یک تن بیش نیست و آن یک تن آنیما-روان زنانه‌ی درون مرد-است. همه‌ی شخصیت‌های مذکر بوف کور نیز جنبه‌های مختلف خود راوی می‌باشد. راوی بوف کور، در این داستان، می‌خواهد با وجوه مختلف پنهان در شخصیت خود سازش یابد و به این طریق به آرامش برسد، اما در این راه موفق نمی‌شود. بنابراین در پاره‌ی نخست بوف کور، دختر اثیری را که جنبه‌ی مثبت آنیما باشد به قتل می‌رساند و بدن او را با گزلیک تکه‌تکه می‌کند و در شاه عبدالعظیم به خاک می‌سپارد. در بخش دوم نیز که راوی می‌خواهد با جنبه‌ی منفی آنیما یعنی لکاته ارتباط یابد، با مشکل مواجه می‌گردد زیرا لکاته با همه‌ی مردان به جز با راوی سازش دارد. در نتیجه راوی در پاره‌ی دوم نیز نمی‌تواند با آنیمای خود وصلت یابد و آن را مهار کند. بنابراین به شکل یکی از فاسقان زنش در می‌آید و به سراغ او رفته با گزلیک چشمش را در می‌آورد و به قتلش می‌رساند. داستان با مسخ راوی به پیرمرد خنزرنیزی پایان می‌یابد. کاتوزیان نیز در **صادق هدایت، آثار و جهان شگفت انگیز او*** (۲۰۰۸) مجموعه‌ای از نقدهای پژوهشگران را درباره‌ی بوف کور جمع‌آوری کرده است که به ویژه از لحاظ ادبیات تطبیقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ج) پس از آثار داستانی، شخصیت هدایت از موضوعات عمده‌ی هدایت‌شناسی است و در مجموع ۱۱ کتاب از مجموع تمامی کتاب‌ها به این موضوع اختصاص داده شده است. منظور از شخصیت هدایت، خصلت‌ها و ویژگی‌های ظاهری و باطنی صادق هدایت است. تقریباً تمامی هدایت‌شناسان بی‌طرف و دوستانی که هدایت را از نزدیک دیده بودند، به شیک‌پوشی و مرتب‌بودن ظاهر هدایت از سویی و به سخت‌کوشی و پرکاری او اشاره ورزیده‌اند. از میان کتاب‌هایی که در این‌باره نوشته شده است، **رنج مقدس** (۱۳۳۱) اثر سعید عنایتی قابل ذکر است که از خصال روحی و معنوی هدایت سخن می‌راند و بیش از همه، بر حساسیت و زودرنجی هدایت بسیار تأکید می‌کند.

د) سرگذشت صادق هدایت از موضوعاتی است که تعداد ۸ کتاب را به خود اختصاص داده است و از میان این کتاب‌ها، **کتاب صادق هدایت** (۱۳۳۰) اثر ونسان موتی به سبب بی‌طرفی و بی‌غرضی و **سی و شش روز با صادق هدایت** (۱۳۸۱) از عیسی هدایت به سبب موثق بودن

مطالب و مندرجات آن قابل بررسی می‌باشد. در این زمینه، همچنین باید به کتاب **آشنایی با صادق هدایت** (۱۳۷۲) اثر فرزانه نیز اشاره کرد که مورد استفاده‌ی بسیاری از هدایت‌شناسان قرار گرفته است. فرزانه در این کتاب، شرح چگونگی آشنایی خود را با هدایت در تهران بیان می‌کند و درباره‌ی خصوصیت‌های ظاهری و باطنی او، آنچه در حافظه دارد، اشاره می‌کند. ماجرای دیدارهای فرزانه و هدایت تا پاریس نیز ادامه می‌یابد و به خودکشی هدایت در این شهر ختم می‌گردد. توصیف بسیاری از کافه‌های ایران و فرانسه در این کتاب عرضه می‌شود. فرزانه بر این موضوع تأکید می‌ورزد که هدایت قطعاً برای خودکشی به فرانسه رفته بود و می‌خواست با یادبودهای آن شهر وداع کند.

ه) از موضوع‌های مهم و عمده‌ای که از سوی هدایت‌پژوهان مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است، مقایسه‌ی هدایت با نویسندگان خارجی است که در این میان، کتاب **نظریات نویسندگان بزرگ خارجی درباره‌ی صادق هدایت و آثار او** (۱۳۴۳) به ترجمه قائمیان و نقد و تفسیر آثار صادق هدایت (۱۳۷۲) از قربانی حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

و) روان‌شناسی هدایت و آثارش از موضوع‌های دیگر مورد بحث هدایت‌پژوهان است که در این زمینه، ۵ کتاب نوشته شده است. از میان این کتاب‌ها، **صادق هدایت و هراس از مرگ** (۱۳۸۰) از صنعتی و بررسی آثار صادق هدایت از نظر روانشناسی (۱۳۳۸) از آبادی علمی و بی‌غرض به نظر می‌رسد. کتاب‌های دیگر اغلب در ضمن تحلیل، راوی داستان و نویسنده را یکی پنداشته‌اند و داوریهایی کرده‌اند که علمی و سنجیده نیست. کتاب‌هایی نیز ظاهراً در قالب روانشناسی و در اصل برای تخطئه‌ی هدایت و آثارش نگاشته شده که از آن جمله، **نسل جوان ایران و بوف کور** (۱۳۵۲) از مقدسی و راجع به هدایت صحیح و دانسته قضاوت کنیم (۱۳۴۲) از پیمانی را می‌توان نام برد.

نتیجه

مقاله‌هایی که درباره‌ی هدایت و آثار وی تحریر شده، طی ۵ دهه از ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۰ همواره رشد فزاینده داشته یعنی از ۵۱ مقاله در دهه ۱۳۳۰ به ۱۷۰ مقاله در دهه ۱۳۷۰ رسیده است. در کنار این رشد آماری، دامنه‌ی موضوع مقاله‌ها هم از کنجکاو‌ی درباره‌ی زندگی و احوال شخصی او و نقدهای ساده‌ی بعضی آثار پرآوازه‌ی او رفته‌رفته به حوزه‌های دیگری چون نقد روان‌کاوانه و ادبیات تطبیقی کشیده شده است. شاید یک علت کسب شهرت بین‌المللی هدایت از طریق

ترجمه‌ی آثارش باشد که بازتاب زیادی در ایران داشته و دیگری کشف هدایت در مقام نویسنده‌ای نوپرداز و پیشگام در ادبیات معاصر ایران باشد.

آمار کتاب‌های هدایت‌پژوهی، برخلاف آمار مقالات، رشد فزاینده نداشته البته هدایت‌پژوهی در قالب کتاب هرگز متوقف نشده اما در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ دچار رکود شده، دورانی که هدایت در مقالات هدایت‌پژوهی همواره می‌درخشید. شاید یکی از علت‌های این رکود عدم حمایت رژیم پهلوی از هدایت و آثار او باشد (ن.ک. جهانگیر هدایت ۱۳۸۰) این عدم حمایت البته دامنگیر مقالات هدایت‌پژوهی نبود چون به‌طور کلی مقاله کوتاه است، نگاه‌هایی گذرا دارد و در قیاس با کتاب هم مخاطب کمتر دارد و هم هزینه‌ی تولید آن کمتر است. جالب آنکه در دهه‌ی ۱۳۶۰ هم هدایت‌پژوهی موضوع کتاب‌های کم‌شماری بوده است. ظاهراً علت اصلی وقوع انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن و همچنین جنگ ایران و عراق باشد که زندگی همگان را در همه‌ی شئون و از همه لحاظ تحت تاثیر قرار داد، حتی از لحاظ تدقیق مفصل در ادبیات. اما دهه ۱۳۷۰، یعنی اولین دهه‌ی پس از جنگ، شاهد تحولی در این حوزه است. کتاب‌های هدایت‌پژوهی از چهار عنوان در دهه‌ی قبل به ۴۵ عنوان می‌رسد. یعنی دیگر بار ادبیات‌پژوهان با آثاری پر حجم چون کتاب به هدایت روی می‌آورند. البته چنانکه گفته شد مقالات هدایت‌پژوهی هرگز دچار رکود نشد. بلکه برعکس همواره رو به تزايد رفت، حتی در دوران جنگ ایران و عراق. شاید علت آن باشد که نگارش کتاب در مقایسه با مقاله زمانی بسیار بیشتر نیاز دارد که از حوصله‌ی دوران جنگ و انقلاب فرهنگی خارج بوده است.

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۴۴) احوال و آثار صادق هدایت، مجموعه مقالات سواد و بیاض، جلدیک، کتابفروشی دهخدا.
- آبادی. سروش (۱۳۳۸) بررسی آثار صادق هدایت از نظر روانشناسی. تهران: کتابفروشی ابن سینا. چاپ اول.
- آل احمد، جلال (۱۳۳۰) هدایت بوف کور، علم و زندگی، شماره ۱، صص ۶۶ تا ۷۶.
- بذلحق، محمود (۱۳۴۰) صادق هدایت داستان نویس بزرگ ایران، مجله هلال، شماره ۱۳۶، صص ۵۸ تا ۶۲.
- براهنی، رضا (۱۳۵۱) صادق هدایت خودکشی نکرد، به مرگ طبیعی مرد، اطلاعات، ش ۱۳۷۷۹.
- جوگل، لئونارد (۱۳۶۷) تاثیر فلسفه‌ی خیام بر بوف کور هدایت، ترجمه‌ی فرزین یزدان‌فر، امید، شماره ۳، صص ۵۲ تا ۶۵.
- پیمانی، هوشنگ (۱۳۴۲) راجع به صادق هدایت صحیح و دانسته قضاوت کنیم، تهران: چاپ آبان، چاپ اول.
- جمشیدی، اسماعیل (۱۳۹۲) سی و پنج کیلو استخوان به نام حسن قائمیان، مجله‌ی بخارا، شماره ۹۳، (خرداد و تیر ۱۳۹۲): صص ۵۰ تا ۵۱.
- حسن لی کاوس و حسام پورسعید (۱۳۸۹) کارنامه‌ی تحلیلی خیام‌پژوهی، نشر علم، تهران، چاپ نخست، ۵۱۵ صفحه: ۵۱۵.

- حیدری، غلام(۱۳۶۸) صادق هدایت و سینما، چیستا، سال هفتم، ش ۵، صص ۶۳۲-۶۴۱.
- خامه‌ای، انور.(۱۳۶۸). خاطرات و تفکرات درباره‌ی نیمایوشیچ، صادق هدایت، عبدالحسین نوشین و ذبیح بهروز، تهران، کتابسرا.
- دباشی، حمید(۱۳۶۶) قصه‌پردازی صادق هدایت، ایران‌نامه، سال پنجم، صص ۷۲۰-۷۲۷.
- ریپکا، یان(۱۳۴۴) یادبودهای من از صادق هدایت، مجله سخن، سال ۱۵، ش ۵، صص ۵۳۷ و ۵۳۵ و ۴۶۰.
- زرین کوب، عبدالحسین(۱۳۵۲). هدایت مجاهدی در اردوی انسانیت، روزنامه اطلاعات، ش ۱۴۳۳۷، ص ۱۹.
- ستاری، جلال(۱۳۷۷) بازتاب اسطوره در بوف کور، تهران: انتشارات توس، چاپ اول.
- شریعتمداری، ابراهیم(۱۳۴۳) صادق هدایت و روانکاوی آثارش، تهران: نشر پیروز، چاپ اول.
- صنعتی، محمد(۱۳۸۰) صادق هدایت و هراس از مرگ: ساخت شکنی روان-تحلیلگرانه ی بوف کور، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- طاهباز، حسن(۱۳۶۱) یادبودنامه ی صادق هدایت به مناسبت هشتادمین سال تولد او، کلن: بیدار.
- طبری، احسان (۱۳۷۷) آوردگان اندیشه خطا: سیری در احوال صادق هدایت و احمد کسروی. تهران: کیهان، چاپ نخست.
- ظفرخان، محمد (۱۳۴۷) نظری به داستان‌های صادق هدایت، مجله هلال، ش ۸۰، صص ۳۵ تا ۳۱.
- غیائی، محمدتقی(۱۳۷۷) تاویل بوف کور، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ نخست.
- فرزانه، مصطفی(۱۳۴۴) آخرین روزهای زندگی صادق هدایت، مجله سخن، سال ۱۵، ش ۵، صص ۴۶۵ و ۵۳۵ تا ۵۳۷.
- فرزانه، مصطفی(۱۳۷۲) آشنایی با صادق هدایت، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- قائمیان، حسن(۱۳۳۵) آری، بوف کور هدایت را باید سوزانید، تهران: آیدانا، چاپ اول.
- قائمیان، حسن(۱۳۴۳) نظریات نویسندگان بزرگ خارجی درباره‌ی صادق هدایت و آثار او، تهران: کتاب‌های پرستو، چاپ سوم.
- قربانی، محمد رضا(۱۳۷۲) نقد و تفسیر آثار صادق هدایت، تهران: نشر ژرف، چاپ اول.
- کاتوزیان، محمد علی همایون(۱۳۸۱) درباره ی بوف کور هدایت، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
- کشاورز، کریم(۱۳۵۲) قطعاتی از کتاب نثر صادق هدایت، مجله سخن، دوره ۲۳، ش ۳، صص ۳۰۸.
- کمیساروف، د.س.(۱۳۴۰). درباره‌ی زندگی و آثار صادق هدایت، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
- لسکو، رژه(۱۳۳۵) صادق هدایت، مجله سخن، سال ۳، ش ۲، صص ۱۱۰ تا ۱۱۷.
- مقدادی، بهرام(۱۳۷۸) هدایت و سپهری. تهران: انتشارات هاشمی. چاپ اول.
- نفیسی، آذر(۱۳۶۹) دریافتی از بوف کور، مجله کلک، سال نخست، ش ۱، صص ۲۰ تا ۲۰.
- هدایت، جهانگیر(۱۳۸۰) از مرز انزوا: مجموعه کارت پستال‌های صادق هدایت، تهران: نشر چشمه و انتشارات دید، چاپ اول.
- هدایت، جهانگیر(۱۳۸۰) سه قطره خون: نقدها و نظرها متن داستان و ترجمه انگلیسی داستان. تهران: نشر چشمه، چاپ اول.
- همایونی، صادق(۱۳۵۲) مردی که با سایه اش حرف می‌زد، تهران: انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.
- همایونی، صادق(۱۳۷۴) نقد کتاب بر مزار صادق هدایت، مجله کلک، ش ۷۱ و ۷۲، صص ۳۹۶ تا ۴۰۰.